



فلسفه ظهور انبیاء، و نیز پدید آمدن آئین حکمت در میان بشر، آن بود که جهان پرشکوه هستی و قوانین آفرینش را به انسانها معرفی نمایند و جمال آفریدگار و جمال عرصه هستی را به او نشان دهند؛ و از سوی دیگر، جلال و هیبت و خطر بیقانونی و بی‌اعتنایی به قوانین طبیعت و سنتهای الهی را یادآور گردند و با دو دست «بشارت» و «انذار»، راه درست زندگی و حیات همراه با آسودگی و کامیاری را — که قرآن آن را صراط مستقیم نامیده — بیاموزند و به یمین و یسار جاده نیفتند.

حق تعالی عقل و عشق را نیز همچون دو بال معرفت به بشر سپرد تا به بلوغ انسانی خود برسد و از باده تلخ روزگاران زندگی و عمر بلاخیز بشری خود، مستی و سرمستی و شیدایی برای خود بسازد؛ از آیات الهی پند گیرد، به گفتار دلسوزانه پیامبران و نمایندگان آنها عاقلانه و هوشمندانه عمل کند و به قوانین نوشته و نانوشته این جهان آفرینش احترام بگذارد و از خشم هولناک زمانه و راهبر ناپیدای این جهان پرهیزد و با قانونشکنی و بیتوجهی به سنن الهی،

تازیانه خشم الهی را بر خود نخرد؛ آنگونه که قرآن از نمونه‌های تاریخی چون عاد و ثمود... بیان کرده است، که با وجود قدرت و شکوه ظاهری که داشتند، به نکبت و انحطاط و نابودی دچار گشتند و از عرصه جهان بیرون افتادند.

امروز نمایش دیگری از قدرت لایزال حق تعالی و قوت ناموس خلقت و قانون آفرینش، در صفحه روزگار به روی پرده در آمده و مدعیان حکومت بر جهان را مغلوب و درمانده موجودی ناچیز از موجودات و مخلوقات خود - ویروس یا هر نام دیگر - نموده است تا عجز و درماندگی و بیچارگی آنان را آشکار نماید و کدخدایان فرضی و خیالی دهکده جهانی را در برابر این حقیرترین مخلوق جهان به زانو درآورد و خاک ذلت و افتادگی و فرودستی در برابر خدای متعال را بر سر آنان بریزد، که «این هنوز از نتایج سحر است!» بدبخت کسانی که دل به این قدرتهای کاذب بسته‌اند و هنوز رو به کعبه آنان نماز میخوانند و از قهر و انتقام الهی غافلند. اگر از خرد چیزی در آنها هست، تا وقت است باید که عبرت بگیرند و خود و ملت خود را به این محکومان محکمه تاریخ، که صدای خرد شدن استخوانهای آنان به گوش میرسد، نفروشند.